

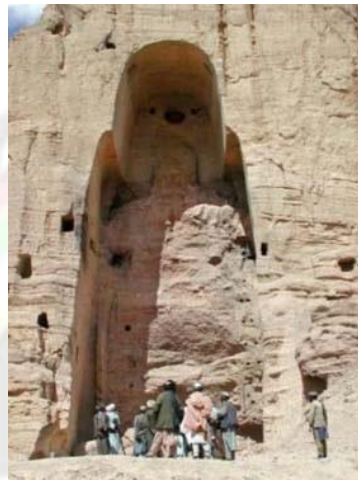


۲۰۲۰/۰۴/۰۱



ملک الشعراى محمد نسيم اسير

مشعل داران بامیان!!



تاریک ترین و ننگین ترین واقعه تاریخی افغانستان بعد از کودتای منهوس هفت ثور، که تا قیام قیامت فراموش نخواهد شد، همانا تخریب پیکره های تندیس های بی زبان اما خیلی گویای بت های تاریخی بامیان است که چارده سال پیش به تحریک پاکستان، در امارت متحجر طالبان، دامن پاک تاریخ وطن با آن آلوده شد. طبق اطلاعیه ای در صفحه انترنتی بی. بی. سی، شام ۱۱ مارچ، تعداد کثیری از فرهنگیان با روشن کردن مشعل و راه پیمائی در پای بت ها، ازین روز یاد آوری کردند. من نیز که با سرودن منظومه ای، این عمل جاهلانه را تقبیح کرده ام، اینک آن سروده را با شما یکجا از نظر می گذرانیم:

ناله ای سر می دهم با داستان بامیان

از زبان بی زبان، یعنی بتان بامیان

نیستم من بت پرست، اما بسان برهن

اشک می ریزم به دامن، خونچکان بامیان

خون همی بارد زمین و آسمان بامیان

حیف، بیریدند سفاکان، زبان بامیان

ماتمی بریاست می دانی؟ به شهر غلغله

حرف گویائیت این تندیس بودا، در جهان

فتنه چنگیز برپا گشت قتل عام شد
مردمان پاک باز و مهربان بامیان

از جفا بر سنگ و چوب آنجا نشد اصلا دریغ
سخت در آتش کشیدند، آشیان بامیان

قصه جان و دل از من گر بپرسی گویمت
این تن سنگین بت ها بود جان بامیان

در میان صخره کوه ایستاده استوار
شاهد فخر و جلال شنسبان بامیان

درخم و پیچ قرون و در دل عصر و زمان نقش رنگین داشتند از داستان بامیان

کوه را گرچه زبانی نیست، لیک این بی زبان قصه ها دارد ز دور عز و شان بامیان

این سبک مغزان که بی عقند و خالی چون حباب
غافلند از داستان باستان بامیان
زیر نام پاک اسلام این جفا کردند حیف
در جوار بامیان در آستان بامیان

طالبان جهل و نادانی به حکم دیگران ریختند آتش به فرق طالبان بامان

در بهارستان آن وادی ز جور ناکسان حسرتا ، دیدم بچشم خود خزان بامیان

تا «اسیر»، آواز در گوش کر دنیا رسد
هم نوا گردان صدایی، با فغان بامیان

م. نسیم «اسیر» ۱۸ مارچ ۲۰۰۱م، بن المان



مشعل داران بامیان

assir_nacim_mashal_daaraan_bamyaaan.pdf